



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۸/۲۴

جليل غنی هروی

اجماع منطوقی برای صلح با دو هدف متقابل

معضله افغانستان از همان آغاز آن در چهار دهه ای گذشته، ابعاد گسترده یافت و نه تنها همسایگان و کشورهای منطقه در آن دخیل ساخته شدند و یا عمداً مداخله کردند، بلکه کشورهای دور تر و از قاره های دور تر از امریکا، اروپا، آسیا و استرالیا چشم طمع برای بهره کشی از بی سر و سامانی ها و خلای رهبری ملی و قیام و تحرک ملی و سراسری برای حراست از منافع ملی، استقلال، تمامیت ارضی و ارزشهای والای افغانی و فرهنگی میراث هزاران سال از گذشته تابناک ممتل آزاد منشی این ملت، دوختند و برای تحقق امیال شوم و یا کینه های تاریخی در برابر این کشور، به استخدام عناصر ضعیف النفس و خود فروخته بر آمدند. همه ما شاهد کرسی نشینان چنین عناصری پس از کودتای به رهبری حزب دموکراتیک خلق در اپریل 1978 و حکومت های تنظیمی و طالبی بوده ایم که پرداختن به تشریح و توضیح هر یک آنها تکرار مکررات و خارج بحث این مقاله است. ولی اگر می توانست پس از سالها جنگ و خونریزی و خروج قوای اشغالگر شوروی سابق از افغانستان و سقوط حکومت تحت الحمایه آن کشور، یک زعامت ملی و با اعتبار و مورد اعتماد ملت مثل سایر کشورهای تشکیل گردد و از منافع ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی افغانستان دفاع نماید و گوش به فرمان کشور های همسایه و سایر کشور ها و در پی منافع گروهی و تنظیمی و کسب قدرت نباشد، امروز افغانستان هم یکی از کشورهای آرام با صلح و ثبات منطقه می بود و تمام قربانی های ملت آزادی دوست فدای منافع چنین گروه های نمی شد.

وقتی حکومت وحدت ملی تشکیل داده شد، آقای اشرف غنی احمد زی هدف تأمین صلح را یکی از شاخص های عمده حکومتش تعیین نمود و درین راستا در مرحله اول اجماع منطوقی را برای مبارزه با دهشت افگنی/ تروریسم/ مطالبه نمود تا این منطقه و جهان از نفوذ و فعالیت های تروریستان و دهشت افگنان دیگر پاک گردد و منشأ صدور دهشت افگنان به جهان نگردد و جهان هم بار دیگر گواه حملات دهشت افگنی مثل حملات دهشت افگنی در بر مرکز تجارت جهانی در نیویارک در سال 2001 و حملات دیگر در کشورهای اروپائی مثل برتانیه، فرانسه، جرمنی و یا کشورهای های افریقای نباشد که جهان غرب منشأ و ماوا و الهام بخش این گروه ها را منطقه ای میداند که افغانستان در آن موقعیت دارد و مدارسی در پاکستان میداند که سه میلیون کودک در آن درس تند روی و نظامی می گیرند.

تا کنون دولت افغانستان نتوانسته چنین یک اجماع را که از همان روز اول حکومت وحدت ملی بر آن تأکید نموده، به دست آورد. هر چند کنفرانسها و اجتماعات و مذاکراتی با کشورهای مختلف منطقه داشته ولی نتیجه مطلوب نتوانسته بگیرد و این هدف بر آورده نشده است چون همانطوری که گفتیم معضله افغانستان ابعاد گسترده ای دارد و هر یک از کشورهای ذیدخل درین معضله، نگرانی ها، منافع و اهدافی دارند که در تأمین آن میباشند نه آوردن صلح واقعی در افغانستان بلکه صلح و ثباتی را جستجو میکنند که اهداف آنها را بر آورده ساخته بتواند.

مذاکرات و کنفرانسها و اجتماعاتی که به اصطلاح برای زمینه سازی مذاکرات با طالبان براه انداخته شده، هم برای بر آورده ساختن چنین اهدافی بوده نه آوردن صلح واقعی به افغانستان زیرا در اکثر این اجتماعات یا افغانستان به حیث جانب ذیدخل اصلی که هر روز در حملات انتحاری و انفجار ها و جنگ های جبهه ای و گریلائی قربانی میدهد، و نه هم طالبان که مرتکب اصلی این جنگ ها و خونریزی ها هستند، اشتراک ندارند و در برخی از این مذاکرات و اجتماعات تنها یکی از این جناح های اصلی اشتراک می داشته باشند. دلیل آن هم کاملاً واضح و روشن است. طالبان حکومت کابل را به رسمیت نمی شناسند و حاضر نیستند با نمایندگان این حکومت مذاکرات مستقیم را دایر کنند. پیشنهادات حکومت کابل هم با طالبان که اگر از دوران حکومت آقای کرزی تا کنون محاسبه شود به بیش از هشتاد بار می رسد و هر بار هم از طرف طالبان رد گردیده است. طالبان بر اساس همین موقف شان همیشه تقاضای مذاکره با جانب اصلی قضیه، به زعم آنها ایالات متحده امریکا، داشتند که آخر الامر ایالات متحده به این خواسته شان جواب داد و الیس ویلز معاون وزارت خارجه ایالات متحده امریکا در امور آسیای مرکزی و جنوبی در ماه جون به دوحه مرکز قطر رفت و برای اولین بار بطور رسمی با نمایندگان طالبان ملاقات نمود و بعد از آن چند

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

ملاقات دیگر نیز با طالبان داشته است. ایالات متحده می گوید هدف از این ملاقاتها زمینه سازی برای مذاکرات مستقیم طالبان با حکومت افغانستان است.

اما طالبان چرا بر مذاکره با ایالات متحده اصرار داشتند؟ از همان آغاز حضور قوای خارجی در افغانستان به رهبری ایالات متحده که پس از حملات یازدهم سپتمبر 2001 بر حمله بر مرکز تجارت جهانی و چند نقطه دیگر در واشنگتن صورت گرفت و با فیصله شورای امنیت ملل متحد برای مبارزه با تروریسم وارد افغانستان شدند، هم پاکستان و هم ایران مخالف حضور قوای خارجی در افغانستان بودند زیرا این قوا از یک طرف مانع نفوذ بیشتر عمال این دو کشور در افغانستان گردیده و از جانب دیگر از برآورده ساختن منافع نا مشروع سیاسی و اقتصادی که این دو کشور، چه برای تصرف و استفاده از منابع زیر زمینی و روی زمین و چه جریان رایگان آبها به هر دو کشور همسایه که به آن اشد ضرورت دارند، جلوگیری شده است. پاکستان از تعقیب پالیسی عمق ستراتیژیک در افغانستان که دسترسی کامل به منابع و موجودیت یک حکومت دست نگر و حامی آن کشور در افغانستان است، محروم گردیده و ایران در پهلوی هراس از دست دادن منابع آبی مورد نیاز و همچنان خصومت دیرینه به خصوص با ایالات متحده آمریکا، به تریبه و تجهیز و تمویل گروه های دهشت افکن و دست نشاند و کنترل آنها باعث دوام جنگ و نا کامی این جنگ در افغانستان گردیده اند.

درین میان روسیه وارث اتحاد شوروی سابقه هم که مخالفت و خصومت آن با غرب، در رأس ایالات متحده آمریکا، میرهن است نیز در کوشش برای نا کامی آمریکا درین جنگ و به حاشیه کشاندن ایالات متحده آمریکا در آوردن صلح در افغانستان و یا کمرنگ ساختن نقش آن، از دو سال به این طرف در صحنه سیاسی و فعالیت های مربوط به گفتگو ها با مخالفین دولت افغانستان فعالتر گردیده و هر از گاهی کنفرانسها و گفتگو های با مراجع و منابع و شخصیت های مطرح سیاسی افغانی و غیر افغانی دایر میکند که از جمله می توان دعوت از حامد کرزی رئیس جمهور پیشین و برخی دیگر از شخصیت های افغانی نام برد. قرار است که در چهارم سپتمبر یعنی کمتر از دو هفته کنفرانسی برای بحث بر اوضاع افغانستان و بررسی و مشوره برای یک راه حل در مسکو دایر شود. درین کنفرانس از عباس ستانکزی آمر دفتر طالبان در قطر نیز دعوت شده ولی افغانستان روز پنجشنبه اعلام نمود که درین کنفرانس اشتراک نمی کند و هر گونه مذاکرات صلح باید مستقیماً با دولت افغانستان دایر گردد. در مذاکرات قبلی در ماسکو که دران نماینده طالبان دعوت نشده بود، نماینده وزارت خارجه افغانستان اشتراک کرده بود. ولی در کنفرانس های که مسکو درین رابطه دایر نموده ایالات متحده آمریکا اشتراک نداشته است و چین و پاکستان اشتراک داشتند.

این بار طالبان به این کنفرانس دعوت شده اند. در آغاز این مقاله گفتیم که اجماع منطقی برای حل معضله افغانستان یکی از سهولت های است که میتواند در حل این مشکل ممد واقع شود و حکومت وحدت ملی از همان آغاز تشکیل آنرا یکی از شاخص های خود برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان قرار داد. هدف حکومت افغانستان جلب حمایت کشور های منطقه در مبارزه با دهشت افگنی است. در هر یک از این کشور ها چه در آسیا و چه شرق میانه و کشورهای دور و نزدیک دیگر، گروه های هستند که با حکومت های شان در مخالفت قرار دارند اما کشور های دیگر نظر به پالیسی های خود شان تعدادی از این گروه ها را دهشت افگن می خوانند که در حالی که در برخی مناطق آنها را سازمانهای آزادی بخش می خوانند. مشکل عمده درین زمینه تعریف از دهشت افگن است که باید مورد تأیید همه کشور ها باشد و این تعریف را ملل متحد می تواند جستجو نماید و تأیید کشور های عضو را بگیرد که احتمال آن کمتر است چون هر کشور نظر به موقف گیری های سیاسی و منافع ملی خود از چنین گروه های تعریفی جداگانه دارد.

اما در رابطه با اجماع منطقی موقف دولت افغانستان مشخص است ولی موقف طالبان کاملاً چیز دیگری و هدف دیگری است که با آنچه دولت افغانستان می گوید در تقابل است و این بار اول است که این گروه این موقف را پیش گرفته است. سید اکبر آغا یک عضو برجسته ای طالبان روز چهارشنبه 22 اگست در صحبت با تلویزیون طلوع گفت آنها با کشور های منطقه برای یک اجماع در حال مشوره هستند زیرا همه کشور های منطقه از حضور نیرو های خارجی در افغانستان نگرانی دارند.

یقین کامل است که چنین موقعی از مشوره ها و رهنمائی های حلقاتی در پاکستان سر چشمه میگیرد تا پاکستان بتواند فشار بیشتری هم بر دولت افغانستان و هم بر متحدین افغانستان در حالی وارد نماید که طالبان درین اواخر پیش روی های در میدان جنگ داشته اند و حتی تا یک صد متری ارگ هم توانستند موضع بگیرند و هم ارگ و هم وزارت دفاع را هدف شلیک سی هاوان قرار دهند. در سایر ولایات هم از جمله غزنی، بدخشان، فاریاب، قندوز، ننگرهار و قندهار هم بر حملات افزوده و پیش روی های داشته باشند.

قبلاً هم در مقاله که در پانزدهم اگست در پورتال وزین افغانستان جرمن تحت عنوان «غزنی قربانی صلح» نشر گردید گفته بودم که معضله افغانستان ابعاد گسترده دارد و باید با در نظر همه پیچیدگی های آن در کنفرانس منطقی تحت نظر ملل متحد به شمول پنج عضو دائمی شورای امنیت ملل متحد حل گردد تا دست همه مداخله گران منطقی و غیر منطقی را کوتاه سازد. تا زمانی که ملل متحد، که قوای خارجی با فیصله آن وارد افغانستان گردید و اکنون چهل و دو کشور دران دخیل هستند و صد ها میلیارد دالر این جنگ و باز سازی هزینه بر داشته، باز هم پای پیش نگذارد و

راه حلی را ترتیب و تنظیم نه نماید، تشکیل کنفرانس های از قبیل کنفرانس مسکو، مذاکرات دوحه، اجتماعات دیگر در سایر کشور ها به شکل انفرادی و به منظور بر آورده ساختن اهداف جداگانه هر کشور دخیل دور و نزدیک درین تراژیدی مردم افغانستان، نه تنها که دردی را دوا نمی کند و راه حلی دایمی برای این معضله و تأمین صلح و ثبات در افغانستان نیست، بلکه گره دیگری بر پیچیدگی های جنگ افغانستان خواهد افزود چون به گفته اشرف غنی احمد زی رئیس جمهور افغانستان بیست و دو گروه دهشت افکن در افغانستان می جنگند که طالب یکی از این گروه هاست و هر روز احتمال قد بلندک کردن گروه دیگری به حمایت کشور و یا حلقات دیگر بیرونی و یا درونی، موجود خواهد بود. اگر قرار باشد که با هر یک از این گروه ها جداگانه معامله و برای ختم جنگ توافق شود، عمر نوح و صبر ایوب می خواهد.

پایان